

Lesson 10

درس دهم

GOD'S VIEW OF HISTORY

دید خدا نسبت به تاریخ

Reading:

Daniel 2

مطالعه:

دانیال باب ۲

The Bible as God's history book

God does not see things in the same way as we do. He says in Isaiah 55:8,9: "For my thoughts are not your thoughts, neither are your ways my ways, declares the LORD. For as the heavens are higher than the earth, so are my ways higher than your ways and my thoughts than your thoughts."

God does not view history as we do. People may be impressed by powerful nations whereas God may consider them of little importance. The Bible is God's history book and the Jews are His people. God's plan of salvation is centred on the Jews, although it extends to all nations. It is therefore not surprising that the Old Testament tells us about the history of the Jews. The New Testament tells us about the life of the Lord Jesus Christ and about the beginning of the Christian church.

کتاب مقدس بعنوان کتاب تاریخ خدا

دید خدا با دید ما متفاوت است. او در اشعیا 55: 8-9 می گوید: "خداوند می فرماید: افکار من افکار شما نیست و نه راههای من، راههای شما. زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است، راههای من نیز از راههای شما و افکار من از افکار شما بلندتر است" (اشعیا 55: 8-9).

خدا تاریخ را مانند ما نمی بینید. ممکن است ملت های بزرگ مردم را به تعجب وا دارند. اما این برای خدا هیچ اهمیتی ندارد. کتاب مقدس، کتاب تاریخ خدا است و یهودیان مردمانش هستند. نقشه رستگاری خدا به مرکزیت یهودیان است. اگرچه تمام ملت ها را در بر خواهد گرفت. پس جای تعجب نیست اگر عهد عتیق در مورد تاریخ یهودیان به ما بگوید. عهد جدید در مورد زندگی عیسی مسیح و آغاز کلیساهای مسیحیت توضیح می دهد.

انسانهای عهد عتیق

این یک نگاه اجمالی به انسان‌هایی است که در عهد عتیق زندگی می‌کردند. آدم - اولین انسانی که توسط خدا خلق شد، از فرمان خدا سرپیچی کرد و گناه و مرگ را به دنیا آورد (پیدایش باب 3). از آن زمان همه مردم (به جز مسیح) به طریقی از فرمان خدا سرپیچی کرده و همه مرده اند.

نوح - هزار سال پس از خلقت آدم زندگی می‌کرد. انسان‌های زمان او بسیار شریر بودند. به همین دلیل خدا توفانی فرستاد و همه را نابود کرد. به جز نوح و خانواده درستکارش که توانستند نجات پیدا کنند چون به فرمان خدا عمل کرده بودند (پیدایش باب 6).

ابراهیم - خدا به او گفت خانه‌اش در اور (جنوب عراق امروزی) را ترک کند و در سرزمینی که خدا به او نشان خواهد داد برود. خدا هرگز به ابراهیم مکان سکونتش را نگفت. اما او به حرف خدا گوش فرا داد. چون می‌دانست در طول سفرش خدا او را راهنمایی خواهد کرد. خدا از ایمان و فرمانبرداری ابراهیم خشنود شد و با او عهدی بست (پیدایش باب 12). کتاب مقدس ابراهیم را دوست خدا می‌داند.

اسحاق - فرزند ابراهیم و ساره بود و توسط معجزه هنگامی که ساره برای بچه‌دار شدن بسیار پیر بود به دنیا آمد (پیدایش باب 21).

People in the Old Testament

Here is a brief look at some of the people in the Old Testament.

ADAM was the first man. He was created by God. Adam disobeyed God and brought sin and death into the world (Genesis 3). Ever since, all people (except Jesus) have disobeyed God in one way or another, and all have died.

NOAH lived about 1,000 years after Adam was created. The people living at the time of Noah were so wicked that God sent a flood and destroyed them all – only righteous Noah and his family escaped, because they obeyed God (Genesis 6).

ABRAHAM was told by God to leave his home in Ur (in the south of modern Iraq) and move to a country that God would show him. God did not tell Abraham where he was eventually going to live, but he obeyed, knowing that God would guide him on his journey. God was pleased with Abraham's faith and obedience and made special promises to him (Genesis 12). The Bible describes Abraham as the friend of God.

ISAAC was the son of Abraham and Sarah. He was born by a miracle when Sarah was too old to have children (Genesis 21).

JACOB was Isaac's son. God changed his name to Israel, which means 'prince with God'. Jacob had twelve sons. They became the fathers of the twelve tribes of Israel. Abraham's descendants through Isaac and Jacob are the people of Israel (also known as the Hebrews, or Israelites), later called the Jews.

JOSEPH was one of the twelve sons of Jacob. His brothers were jealous of him and sold him to traders, and he became a slave in Egypt. He faced many trials but God blessed him, and he eventually became head of the king of Egypt's government (Genesis 41:39,40). Later, all of Jacob's family joined Joseph in Egypt (Genesis 46). Many years after Joseph's death, because Jacob's descendants had become a huge number of people, the Egyptians began to see them as a threat and made them slaves.

MOSES was born in Egypt during this time of slavery. His parents were Jews but he was brought up by the daughter of the king of Egypt. God used Moses to lead the Israelites out of Egypt and through the wilderness (a barren and deserted land) to the land of Canaan, which He had promised them as a home. During the journey God formed the Israelites into a nation and gave them wise laws.

يعقوب - فرزند اسحاق بود و خدا اسمش را به اسرائيل تغيير داد که به اين معنای است: "زيرا که با خدا و با انسان مجاهده کردی و نصرت يافتی" (پيدایش 32: 28). يعقوب 12 پسر داشت و آنها پدران 12 قوم اسرائيل شدند. نوادگان ابراهيم از طريق اسحاق و يعقوب، بنی اسرائيل هستند. (همينطور به اسرائیلی‌ها و يا عبرانیان نیز معروف هستند) و بعدها يهوديان خطاب شدند.

يوسف - یکی از 12 فرزند يعقوب بود که به دليل حسادت برادرانش به بازرگانان فروخته شد و بعنوان برده به مصر برده شد. در آزمایش‌های زيادی قرار گرفت اما خدا به او برکت داد و او در نهايت عزيز مصر شد (پيدایش 41: 39-40). بعد از گذشت ساليان زيادی خانواده يعقوب به يوسف در مصر ملحق شدند (پيدایش باب 46) و بعد از مرگ يوسف چون نوادگان يعقوب جمعيت کثیری بودند، مصري‌ها آنها را بعنوان یک تهديد تلقی کرده و همه را به بردگی گرفتند.

موسی - در مصر در زمان بردگی به دنيا آمد. والدين او يهودی بودند اما او توسط دختر پادشاه مصر بزرگ شد. خدا از موسی بعنوان هدايت کننده‌ای برای قوم اسرائيل در جهت خارج کردن آنها از مصر و از میان ستم‌ها استفاده کرد و آنها را به سرزمين کنعان که وعده داده بود رسانید. در طول اين سفر خدا بنی اسرائيل را به شکل یک امت در آورد و به آنها قوانين خردمندانهای داد.

The people of Israel did not trust in God to help them conquer the promised land of Canaan. As a punishment God made them wander in the wilderness for 40 years, until all those who lacked faith had died.

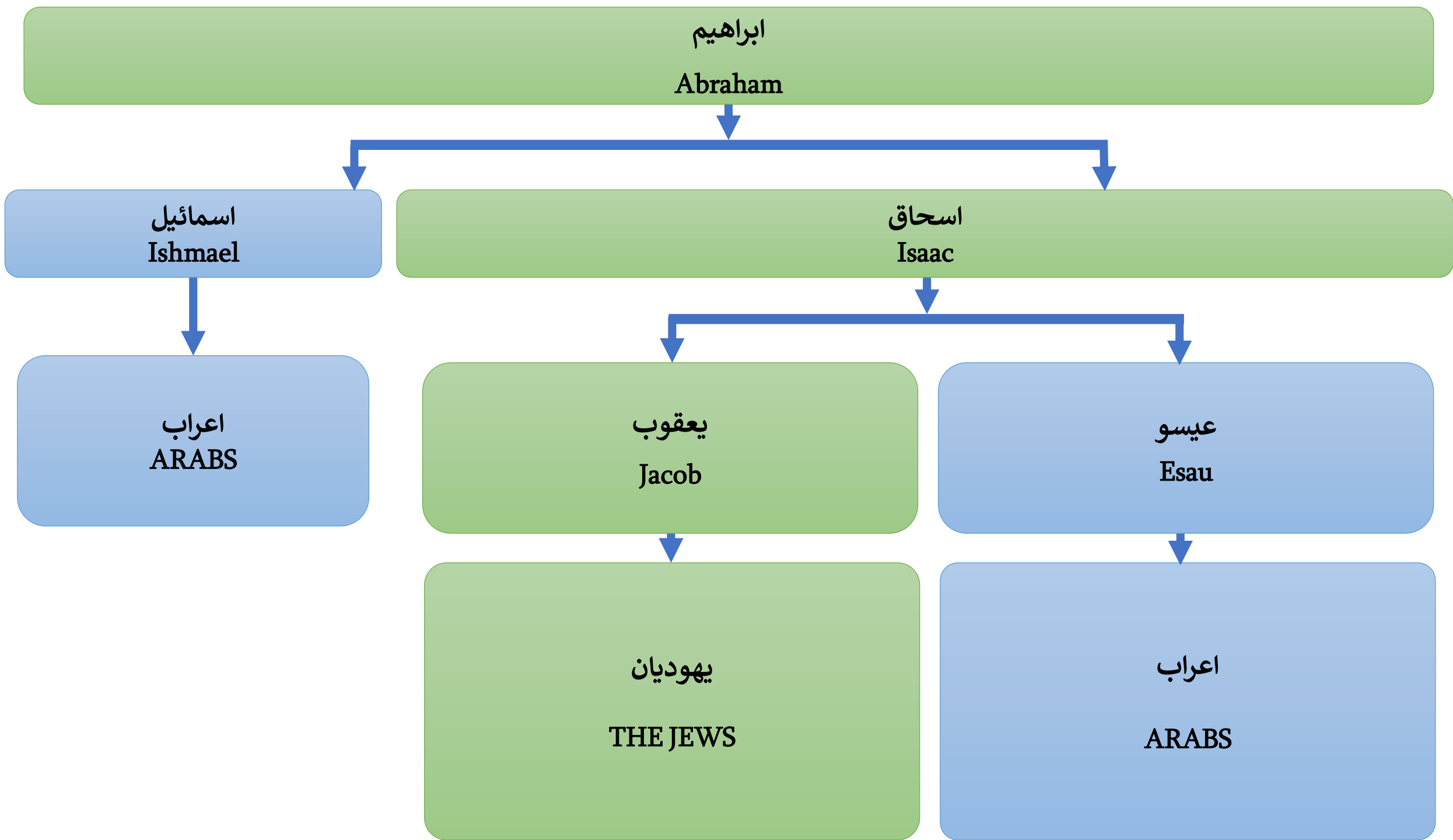
JOSHUA led the new generation of Israelites into Canaan, the land that God had promised them as a home. Canaan is now known as Israel.

Judges rule the people At last the people of Israel were living in the land of Canaan. God was their King and He provided judges to rule over them for Him. The nation often disobeyed God's laws and He punished them by sending other nations to fight them. When they were in trouble, the people returned to God, and He saved them through one of the judges. Many times the nation turned away from God, and many times He showed His love by rescuing them. Nehemiah 9:28 says, "many times you (God) delivered them according to your mercies".

بنی اسرائیل برای فتح سرزمین وعده به خدا اعتماد نکردند و بعنوان مجازات، خدا آنها را چهل سال در صحرا نگاه داشت تا تمام کسانی که ایمان نداشتند، بمیرند. **یوشع** - نسل جدید بنی اسرائیل را به کنعان برد. سرزمینی که خدا وعده آنجا را به آنها داده بود. کنعان همان اسرائیل امروزی است. داوران بر مردم حکومت کردند

در نهایت مردم اسرائیل به کنعان رسیدند. خدا پادشاه آنان بود و داوران را برای حکمرانی بر آنان گماشته بود. امتها اکثرا از فرمان خدا سرپیچی کرده و خدا با فرستادن امتهای دیگر برای جنگ با مردم اسرائیل، آنها را مجازات می کرد. زمانی که به مشکل بر می خوردند به خدا روی می آوردند و خدا آنها را توسط یکی از داوران نجات می داد. آنها بارها از خدا روی بر می گرداندند و باز هم خدا عشق خود را از طریق نجات به آنها نشان می داد.

نحمیا 9: 28 می گوید : "اما پس از آنکه آسایش یافتند، دیگر بار در حضورت شرارت ورزیدند و تو ایشان را به دست دشمنانشان واگذاشتی تا بر آنان حکم برانند. اما چون بار دیگر نزد تو فریاد برآوردند، از آسمان شنیدی و بر حسب رحمت خود بارها ایشان را رهانیدی" (نحمیا 9: 28).



مردم پادشاه می خواهند

بعد از گذشت 400 سال بنی اسرائیل خواستار این شدند تا پادشاهی زمینی داشته باشند (یعنی یک انسان). آنها خدا را نمی خواستند. آنها همانند امت های دیگر پادشاهی می خواستند که قابل رویت باشد.

شائول - اولین پادشاه انسانی که خدا را خشنود نساخت.

داوود - دومین پادشاه از قبیله یهودا که بر اورشلیم حکمرانی کرد. او مزمورهای زیادی نوشت. اعمال رسولان 13: 22 او را بعنوان مردی که به دنبال خواسته های خدا بود معرفی کرد. چون تمام تلاش او در اجرای اراده خدا در زندگیش بود. چون داوود خدا را خشنود کرد وعده هایی به او داده شد تا توسط عیسی مسیح به حقیقت بپیوندند (2 سموئیل باب 7).

سلیمان - پادشاه بعدی بود. متون خردمندانه ای در امثال نوشت و معبد بزرگ در اورشلیم را بنا کرد.

The people want a king

After about 400 years in the land, the people of Israel asked for a human king. They did not want God – they wanted a king they could see, like the other nations. SAUL was the first human king. He did not please God. DAVID, the second king, was from the tribe of Judah and reigned from Jerusalem. He wrote many of the Psalms. Acts 13:22 describes him as a man after God's heart because he tried to do God's will in his life. Because David pleased God, he was given special promises, to be fulfilled by the Lord Jesus Christ (2 Samuel 7). SOLOMON was the next king to reign for God. He wrote many of the wise sayings found in the book of Proverbs, and built the great temple in Jerusalem.

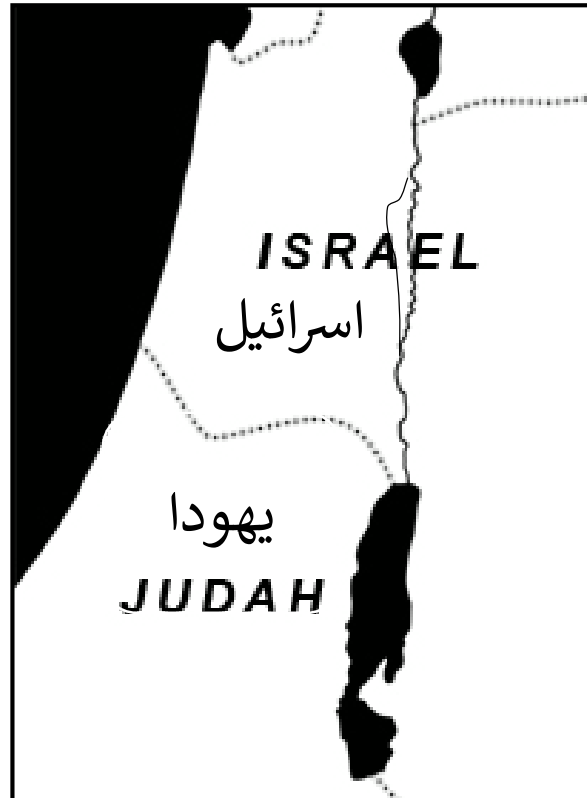
تقسیم پادشاهی

A divided kingdom

After Solomon, the Kingdom of Israel was divided into two parts. The ten tribes in the north became the northern kingdom, and kept the name Israel. The two other tribes formed the southern kingdom. It became known as Judah, because all of its kings came from the tribe of Judah – they were descendants of David and Solomon.

The people of Israel (the northern kingdom) grew so wicked that God brought the Assyrian army against them. They were taken into captivity and then scattered. They never returned to their own land as a Nation. Later, the people of Judah (the southern kingdom) were taken captive to Babylon, because they too had turned away from God. From that time, even to the present day, there has been no king in Jerusalem.

After 70 years of captivity in Babylon, the people of the southern kingdom were allowed to return to their own land. However, other nations ruled over them, including the Romans, who were in control in the time of Jesus.



10 قبیله از بنی اسرائیل که در شمال بودند، پادشاه شمالی خوانده شدند و نام اسرائیل را نگاه داشتند. 2 قبیله دیگر پادشاهی جنوبی را تشکیل داده و یهودا نامیده شدند، زیرا تمام پادشاهانش از قبیله یهودا بودند. آنها از نوادگان داوود و سلیمان بودند.

مردم اسرائیل (پادشاهی شمالی) بسیار شریر شدند و خدا آشوریان را بر علیه آنان شورانید. آنان به اسارت برده شده و پراکنده شدند و هرگز به سرزمین خود بعنوان

یک ملت بازنگشتند. مدتی بعد مردم یهودا (پادشاهی جنوبی) نیز به دلیل سرپیچی از خدا به اسارت بابل برده شدند. از آن زمان حتی تا به امروز هیچ پادشاهی بر اورشلیم نبوده است. بعد از 70 سال اسارت در بابل مردم پادشاهی جنوبی توانستند به سرزمین خود بازگردند. اگر چه ملت های دیگر همانند رومیان که در زمان عیسی مسیح نیز در قدرت بودند بر آنها حکمرانی می کردند

About 400 years after the close of the Old Testament, God provided His own Son, the Lord Jesus Christ. Jesus was rejected by many of his own people, the Jews. Before he was led away to be crucified they cried, "His blood be on us and on our children!" (Matthew 27:25). The Jews could not have committed a worse crime. God later used the Romans to punish them. This resulted in the Jewish people being taken from their land and scattered among the nations of the world. They remained scattered until about 150 years ago, when they started to return to their land.

Nebuchadnezzar's dream – a vision of the future (Daniel 2)

The Bible contains a prophecy which spans history from the time of the Babylonian Empire (BC 600), through to our own day and beyond to the time when God's kingdom is restored on earth. The prophecy shows that God controls world events and the time will come when the "kingdom of men" (Daniel 4:17) will give place to the Kingdom of God.

پس از 400 سال خدا در عهد جدید پسرش عیسی مسیح را به دنیا آورد. مسیح توسط بسیاری از مردم خود (یهودیان) پذیرفته نشد. هنگام به صلیب کشیدن مسیح با فریاد می گفتند: "خون او بر ما و فرزندان ما باد" (متی 27:25). یهودیان جرمی بالاتر از این نمی توانستند مرتکب شوند. بعد از مدتی خدا توسط رومیان آنها را مجازات کرد و این باعث شد که یهودیان از سرزمین خود خارج شده و در میان ملت های مختلف پراکنده شوند. آنها تقریباً تا 150 سال پیش همچنان پراکنده بودند تا اینکه بعد از آن به سرزمین خود بازگشتند.

رویای نبوکدنصر، تصویری از آینده

کتاب مقدس حاوی پیشگوهایی است که از زمان پادشاهی بابل (600 سال قبل از میلاد مسیح) تا زمانی که پادشاهی خدا دوباره بر زمین برقرار شود را شامل می شود. این پیشگویی نشان می دهد که خدا اتفاقات دنیا را کنترل می کند و زمانی خواهد رسید که "پادشاهی انسان" (دانیال 4:17) جایش را به پادشاهی خدا خواهد داد.

A young Jewish prince called DANIEL was taken captive to Babylon when the southern kingdom of Judah was coming to an end.

One night Nebuchadnezzar, the king of Babylon, had a very strange dream. This dream was a prophecy given by God, who showed Daniel its meaning. In his dream the king saw a great image, perhaps like the one shown here. The image gives a picture of five periods of history, which would follow one after the other. Daniel explained to the king of Babylon that the head of gold represented his Babylonian empire (Daniel 2:37,38).



سری از طلا
بابل حدود 600 سال پیش از
میلاد مسیح

Head of Gold
BABYLON
About 600 B.C.

سینه و بازو از نقره
پارسها و مادها
حدود 450 سال پیش از
میلاد مسیح

Breast & Arms of Silver
MEDO-PERSIA
About 450 B.C.

شکم و رانهای برنجی
یونان
حدود 300 سال پیش از
میلاد مسیح

Belly & Thighs of Brass
GREECE
About 300 B.C.

ساقهایش از آهن
رم
شروع دوره مسیحیت

Legs of Iron
ROME
Beginning of Christian Era

پاهایی از آهن و گل

Feet of Iron & Clay

یک شاهزاده یهودی جوان به نام دانیال زمانی که پادشاهی جنوبی یهودا به آخر می‌رسید، به بابل به اسارت برده شد.

شبى نبوکدنصر، پادشاه بابل خواب بسیار عجیبی دید. این خواب یک پیشگویی بود که معنای آن از طرف خدا به دانیال نشان داده شده بود. در این خواب پادشاه تمثال بزرگی دید. شاید شبیه به این آدم که اینجا نشان داده شده است. این تمثال 5 برجه از تاریخ را نشان می‌دهد که همه پشت سر هم قرار دارند. دانیال برای پادشاه توضیح داد که سری از طلا نشانگر پادشاهی بابل است. (دانیال 2: 37-38)

Nebuchadnezzar was told that after his empire would come a less powerful empire, represented by the silver breast and arms of the image in the dream. We know that this was the empire of the Medes and Persians. A third great empire would follow, represented by the brass stomach and thighs. This refers to the Greek Empire. The legs of iron refer to the Roman Empire which came to dominate the world. The Roman Empire spread further than any of the others. It was during the Roman Empire that Jesus was born, and Roman soldiers were involved in his crucifixion. A few hundred years later the Roman Empire broke up and there has never since been an empire to dominate this area of the world and rule over the Jewish nation.

History books confirm that four great empires followed each other just as described in Daniel 2. This remarkable prophecy shows that we can trust the Bible.

The time from the end of the Roman Empire until our time, a period of nearly 2,000 years, is represented in the dream by the feet of the image – a mixture of iron and clay, strong nations and weak nations. They are divided and separate, just as bits of iron will not mix with clay. We are living in this time – a time of divisions – nations can agree on very little.

به نبوکدنصر گفته شد که بعد از پادشاهی او پادشاهی کم قدرت تر می آید که توسط سینه و دست‌هایی از نقره در تمثال نشان داده شده بود. ما امروز می‌دانیم که این پادشاهی مادها و پارس‌ها بوده اند. پادشاهی سوم که با شکم و ران‌های برنجی مشخص شده به پادشاهی یونان اشاره دارد. منظور از ساق‌های آهنی پادشاهی روم است که می‌خواست بر دنیا تسلط داشته باشد. پادشاهی روم توانست بیشتر از همه گسترش پیدا کند. عیسی مسیح در زمان پادشاهی روم به دنیا آمد و سربازان رومی در به صلیب کشیدن او نقش داشتند. صدها سال بعد، امپراطوری روم از بین رفت و تا به امروز هیچ پادشاهی دیگری بر امت یهود فرمانروایی نکرده است.

کتابهای تاریخی تایید کرده‌اند که این 4 دوره دقیقاً همانطور که در دانیال باب 2 گفته شد، وجود داشت. این پیشگویی بی‌نظیر نشان می‌دهد که ما می‌توانیم به کتاب مقدس اعتماد کنیم.

یک برحه از زمان 2000 ساله که از انتهای امپراطوری روم تا زمان ماست توسط پاهای تمثال نشان داده می‌شود. ترکیبی از آهن و گل، امت‌های قوی و ضعیف ماست که در این زمان زندگی می‌کنیم، زمان جدایی‌ها که ملت‌ها به راحتی با هم به توافق نمی‌رسند.

In the dream Nebuchadnezzar saw a small stone hitting the feet and smashing the image to powder. The powder was blown away in the wind, leaving only the stone. The stone then became a great mountain that filled the whole earth. Daniel 2:44,45 explains what is to happen in the time of the feet (our times!): "And in the days of those kings the God of heaven will set up a kingdom that shall never be destroyed, nor shall the kingdom be left to another people. It shall break in pieces all these kingdoms and bring them to an end, and it shall stand forever, just as you saw that a stone was cut from a mountain by no human hand, and that it broke in pieces the iron, the bronze, the clay, the silver, and the gold."

The image represents the kingdom of men. The stone "cut from a mountain by no human hand" represents the Lord Jesus Christ, who had no human father. When he returns to the earth, he will end the rule of all the kingdoms of the world and restore God's kingdom, which will fill the whole earth.

Much of Nebuchadnezzar's dream has come to pass – and we can be quite sure that the last part will also be fulfilled. Notice that the future kingdom will be here on this earth.

نبوکدنصر در رویا دید که سنگ کوچکی به پای این تمثال برخورد می‌کند و تمثال به ذرات ریز تقسیم می‌شود و قطعات ریز ایجاد شده توسط باد از بین می‌رود و فقط سنگ از آن به جای می‌ماند. بعداً سنگ به کوهی تبدیل شده که کل زمین را پر می‌کند. دانیال 2: 44-45 توضیح می‌دهد که در زمان این پا (زمان ما) چه اتفاقی می‌افتد: "در روزهای آن پادشاهان، خدای آسمانها سلطنتی را برقرار خواهد کرد که هرگز از بین نخواهد رفت. آن سلطنت به قومی دیگر واگذار نخواهد شد بلکه همه سلطنتها را در هم خواهد کوبید و نابود خواهد کرد و خود تا به ابد استوار خواهد ماند، درست همان‌گونه که دیدی سنگی از کوه برگنده شد، اما نه به دست بشر و آهن و برنج و گل و نقره و طلا را خرد کرد. خدای بزرگ آنچه را که باید در آینده رخ دهد، به پادشاه نمایانده است. این خواب درست است و تعبیرش مطمئن" (دانیال 2: 44-45).

تمثال، پادشاهی انسان را نشان می‌دهد، سنگ "که بدون دست‌ها از کوه جدا شده" نشانگر عیسی مسیح است که هیچ پدر زمینی نداشت. وقتی که به زمین بازگردد به تمام پادشاهی‌های دنیا پایان می‌دهد و پادشاهی خدا را برقرار می‌سازد. که تمام زمین را در بر خواهد گرفت.

قسمت اعظمی از رویای نبوکدنصر به واقعیت پیوسته است و ما می‌توانیم مطمئن باشیم که قسمت آخر نیز اتفاق خواهد افتاد. توجه کنید که پادشاهی آینده بر زمین خواهد بود.

خلاصه Summary

- ❖ The Old Testament tells us about the history of God's people, the Jews.
- ❖ The New Testament tells us about Jesus and the beginning of the Christian church.
- ❖ The prophecy of Daniel 2 describes four great empires that followed one after the other, followed by a time of strong and weak nations. We live in the time represented by the feet of the image, and are waiting for the Lord Jesus Christ (represented by the stone) to return.
- ❖ Christ will bring to an end the kingdom of men and restore God's kingdom, which will fill the whole earth

❖ عهد عتیق درباره تاریخ مردم (یهودیان) به ما می گوید.

❖ عهد جدید در مورد مسیح و آغاز کلیساهای مسیحیت به ما می گوید.

❖ پیشگویی دانیال باب 2 چهار پادشاهی بزرگ را به تصویر کشیده است. ما در قسمت پای این تمثال زندگی می کنیم و منتظر مسیح هستیم (توسط سنگ نشان داده شده) تا بازگردد.

❖ مسیح پادشاهی زمین را به پایان خواهد رساند و پادشاهی خدا را که تمام دنیا را در بر می گیرد اجرا خواهد کرد.

دانیال 2: 44

"در روزهای آن پادشاهان، خدای آسمانها سلطنتی را برقرار خواهد کرد که هرگز از بین نخواهد رفت. آن سلطنت به قومی دیگر واگذار نخواهد شد بلکه همه سلطنتها را در هم خواهد کوبید و نابود خواهد کرد و خود تا به ابد استوار خواهد ماند"

Daniel 2:44

"And in the days of those kings the God of heaven will set up a kingdom that shall never be destroyed, nor shall the kingdom be left to another people. It shall break in pieces all these kingdoms and bring them to an end, and it shall stand for ever ..."

Deuteronomy 7:6-8

The people of Israel are God's chosen nation.

تثنیه 7: 6-8

مردم اسرائیل توسط خدا انتخاب شدند

Acts 13:17-23

The apostle Paul gave this history lesson.

اعمال رسولان 13: 17-23

پولس رسول درسی از تاریخ داد

Nehemiah 9:7-31

نحمیا 9: 7-13

Acts 7

اعمال رسولان باب 7